

حق یمن برای دفاع از غزه و وظیفه حمایت از یمن

نسل‌کشی در جریان در غزه، که توسط اسرائیل انجام می‌شود، نقض جدی قوانین بین‌المللی و کرامت انسانی است و نیازمند اقدام فوری برای متوقف کردن نابودی سیستماتیک مردم فلسطین است. یمن، با استناد به حقوق و تعهدات خود تحت کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی 1948 و چارچوب مسئولیت حفاظت (R2P)، اختیار خود را برای دفاع از مردم غزه از طریق اقداماتی از جمله عملیات نظامی اعلام کرده است. این مقاله استدلال می‌کند که مداخله یمن از نظر قانونی موجه و از نظر اخلاقی ضروری است و همه دولت‌ها طبق قوانین بین‌المللی موظف به حمایت از تلاش‌های یمن برای جلوگیری از جنایات بیشتر هستند. عدم اقدام نه تنها نقض هنجارهای قانونی تثبیت‌شده است، بلکه خطر تقویت تجاوزات توسعه‌طلبانه اسرائیل در سراسر خاورمیانه را به همراه دارد و ثبات جهانی را تهدید می‌کند.

حق قانونی یمن برای دفاع از غزه

کنوانسیون نسل‌کشی (1948) وظیفه‌ای روشن بر دولت‌ها تحمیل می‌کند تا از نسل‌کشی جلوگیری کرده و آن را مجازات کنند، که به عنوان اعمالی تعریف شده است که با نیت نابودی کامل یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام می‌شود. اقدامات اسرائیل در غزه—بمباران‌های بی‌رویه، گرسنگی عمدی، و تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی—این تعریف را برآورده می‌کند، همان‌طور که توسط اقدامات موقت دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در ژانویه 2024 در پرونده **آفریقای جنوبی علیه اسرائیل** اثبات شده است، که شواهد معتبری از اعمال نسل‌کشی یافت. ماده اول **کنوانسیون نسل‌کشی** دولت‌ها، از جمله یمن، را ملزم می‌کند تا تمامی اقدامات لازم را برای جلوگیری از چنین جرایمی، بدون در نظر گرفتن مرزهای سرزمینی، انجام دهند. عملیات دریایی یمن در دریای سرخ، با هدف اختلال در خطوط تأمین اسرائیل، یک اجرای قانونی این وظیفه است، زیرا به دنبال محافظت از جمعیت غزه در برابر نابودی است.

علاوه بر این، **دکترین مسئولیت حفاظت (R2P)**، که در سال 2005 توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد، دولت‌ها را موظف می‌کند تا از جمعیت‌ها در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت محافظت کنند، زمانی که یک دولت در این امر ناکام می‌ماند. ناکامی آشکار اسرائیل در حفاظت از فلسطینیان در غزه، همراه با ارتکاب فعال جنایات، مفاد R2P برای اقدام جمعی را فعال می‌کند. مداخله یمن با اصول R2P هم‌راستا است، زیرا به یک بحران انسانی با شدت بی‌سابقه پاسخ می‌دهد. سابقه مداخله ناتو در کوزوو در سال 1999، که بدون تأیید شورای امنیت سازمان ملل برای توقف پاکسازی قومی انجام شد، از اقدامات یمن حمایت می‌کند. حقوق بین‌الملل عرفی، مداخله بشردوستانه را زمانی که رفتار یک دولت وجدان بشریت را شوکه می‌کند، مجاز می‌داند، آستانه‌ای که اقدامات اسرائیل در غزه بدون شک آن را برآورده می‌کند.

وظیفه دولت‌ها برای حمایت از یمن

بر اساس **کنوانسیون نسل‌کشی** و R2P، همه دولت‌ها از نظر قانونی موظف به جلوگیری از نسل‌کشی هستند، نه تنها از طریق لفاظی بلکه از طریق اقدامات مشخص. این تعهد به حمایت از تلاش‌های یمن برای دفاع از غزه گسترش می‌یابد. ماده هشتم **کنوانسیون نسل‌کشی** دولت‌ها را تشویق می‌کند تا از ارگان‌های صالح سازمان ملل برای اقدام درخواست کنند، اما

زمانی که این نهادها به دلیل وتوهای سیاسی فلج می‌شوند—همان‌طور که در ناکامی مکرر شورای امنیت سازمان ملل در رسیدگی به غزه دیده شده است—دولت‌ها باید به صورت مستقل یا جمعی عمل کنند. ماده 51 منشور سازمان ملل، که اجازه دفاع جمعی را می‌دهد، پایه قانونی دیگری برای پیوستن دولت‌ها به یمن در حفاظت از جمعیت غزه در برابر تجاوزات اسرائیل فراهم می‌کند.

سوابق تاریخی عواقب بی‌عملی را برجسته می‌کنند. ناکامی جامعه بین‌المللی در مداخله طی نسل‌کشی رواندا در سال 1994، با وجود شواهد واضح جنایات گسترده، منجر به مرگ حدود 800,000 نفر شد. به‌طور مشابه، سیاست مداخلات با آلمان نازی در دهه 1930، که نمونه آن توافق مونیخ در سال 1938 است، تجاوز را تشویق کرد و به هولوکاست منجر شد. این ناکامی‌ها ضرورت اخلاقی و قانونی برای اقدام قاطع علیه نسل‌کشی را نشان می‌دهند. دولت‌هایی که از حمایت یمن ناکام می‌مانند، در معرض خطر همدستی در جنایات اسرائیل قرار می‌گیرند و تعهد پس از هولوکاست «هرگز دوباره» را نقض می‌کنند.

تهدید گسترده‌تر اسرائیل و نیاز به اقدام جمعی

اقدامات اسرائیل فراتر از غزه گسترش می‌یابد و یک برنامه توسعه‌طلبانه را آشکار می‌کند که کل خاورمیانه را تهدید می‌کند. الحاق غیرقانونی کرانه باختری، در نقض **کنوانسیون چهارم ژنو (1949)**، و تهاجمات نظامی به لبنان، سوریه و یمن، الگویی از تجاوز را نشان می‌دهد. قتل‌عام‌های صبرا و شتیلا در سال 1982 و جنگ لبنان در سال 2006 نشان‌دهنده آمادگی اسرائیل برای بی‌ثبات کردن کشورهای همسایه است. حملات هوایی اخیر به سوریه و تهدیدات علیه ایران و عراق، جاه‌طلبی‌های امپریالیستی آن را بیشتر تأیید می‌کند. مقاومت یمن در برابر تجاوزات اسرائیل نه تنها دفاع از غزه است، بلکه موضعی علیه تهدیدی منطقه‌ای است که اگر کنترل نشود، می‌تواند به یک درگیری گسترده‌تر با پیامدهای جهانی تبدیل شود.

دولت‌ها باید از طریق ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و در صورت لزوم نظامی از یمن حمایت کنند. تحریم‌ها علیه اسرائیل، ممنوعیت تسلیحاتی، و پیگرد مقامات اسرائیلی تحت صلاحیت جهانی برای جنایات جنگی، گام‌های حیاتی هستند. اصل صلاحیت جهانی، که در مواردی مانند حکم بازداشت آگوستو پینوشه (1998) به رسمیت شناخته شده است، به دولت‌ها اجازه می‌دهد مرتکبان جنایات بین‌المللی را پاسخگو کنند و تلاش‌های یمن را تقویت می‌کند. علاوه بر این، اقدامات اقتصادی مانند جنبش تحریم، واگذاری و تحریم‌ها (BDS)، که از کمپین ضد آپارتاید علیه آفریقای جنوبی الهام گرفته شده است، می‌تواند اقدامات یمن را تکمیل کند، اما با توجه به فوریت بحران، ممکن است حمایت نظامی برای دستیابی به نتایج فوری مورد نیاز باشد.

ضرورت اخلاقی و قانونی برای همبستگی جهانی

مداخله یمن، با وجود چالش‌های انسانی خود، نمونه‌ای از تعهد به بشریت است که کشورهای ثروتمندتر و قدرتمندتر را شرم‌نده می‌کند. وزن اخلاقی این بحران ایجاب می‌کند که دولت‌ها تعهدات خود تحت قوانین بین‌المللی را بر اتحادهای سیاسی ترجیح دهند. قدرت‌های غربی، که به‌طور تاریخی از طریق حمایت نظامی و مالی اسرائیل را توانمند کرده‌اند، مسئولیت ویژه‌ای برای تغییر مسیر و همسویی با تلاش‌های یمن دارند. عدم انجام این کار، اصول عدالت و بشریت را که پایه نظم حقوقی بین‌المللی است، تضعیف می‌کند.

علاوه بر این، جامعه مدنی نقشی در فشار آوردن به دولت‌ها برای اقدام دارد. اعتراضات جهانی، حمایت‌گری و پشتیبانی از تلاش‌های بشردوستانه یمن می‌تواند اقدامات آن را تقویت کند. جامعه بین‌المللی باید اذعان کند که حمایت از یمن صرفاً یک

انتخاب سیاسی نیست، بلکه یک ضرورت قانونی و اخلاقی برای حفظ تقدس زندگی انسانی و جلوگیری از تکرار تاریک‌ترین فصل‌های تاریخ است.

نتیجه‌گیری

حق یمن برای دفاع از مردم غزه به‌طور محکمی در **کنوانسیون نسل‌کشی**، R2P و حقوق بین‌الملل عرفی ریشه دارد. اقدامات آن برای مختل کردن کمپین نسل‌کشی اسرائیل، پاسخی قانونی و ضروری به جنایات در جریان است. همه دولت‌ها موظف‌اند از طریق اقدامات جمعی، شامل اقدامات دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی، از یمن حمایت کنند تا نسل‌کشی را متوقف کرده و با تهدید توسعه‌طلبانه اسرائیل مقابله کنند. تاریخ به ما می‌آموزد که بی‌عملی در برابر نسل‌کشی فاجعه به بار می‌آورد؛ جامعه بین‌المللی باید به این درس توجه کند و پشت یمن متحد شود تا وظیفه قانونی و اخلاقی خود را انجام دهد. زمان تردید گذشته است—همبستگی جهانی با یمن تنها راه عدالت برای غزه و ثبات برای جهان است.